

بسمه تعالی

موضوع وینار سوم: نظام حقوقی حاکم بر رسانه‌ها در عصر کرونا

مهمانان:

آقای دکتر حبیب نژاد؛ استاد دانشگاه تهران (دبیر علمی نشست)

آقای دکتر سید امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی؛ نایب رئیس مجلس شورای اسلامی و عضو ستاد ملی مقابله با کرونا

آقای دکتر محمدمهدی قاسمی؛ مدیر شبکه سلامت و رئیس شورای سلامت رسانه ملی

جناب آقای دکتر حبیب نژاد: سومین نشست از سلسله نشست‌های تخصصی حقوق رسانه را که با همت معاونت حقوقی و امور مجلس صداوسیما برگزار می‌شود با موضوع نظام حقوقی حاکم بر رسانه‌ها در عصر کرونا آغاز می‌کنیم و افتخار داریم که در خدمت دوستان و بزرگوارانی همچون جناب آقای دکتر سید امیرحسین قاضی‌زاده که هم‌اکنون نایب رئیس مجلس شورای اسلامی هستند و سوابق حوزه مدیریت درمان پزشکی دارند و عضو ستاد مقابله با کرونا هستند و جناب آقای دکتر محمد مهدی قاسمی مدیر شبکه سلامت صداوسیما و رئیس شورای سلامت صداوسیما هستیم.

جناب آقای دکتر قاضی‌زاده امروز روز پر کاری داشتید امیدوارم که جلسه خوبی را با شما داشته باشیم.

جناب آقای دکتر قاضی‌زاده حضرت‌عالی مستحضر هستید در زمان شیوع و بروز ویروس کرونا و در زمان همه‌گیری این ویروس، معمولاً کشورهای مختلف یکسری قوانینی در خصوص قرنطینه و یا قوانین در حوزه سلامت و یا قوانین در حوزه بیماری‌های واگیردار داشتند اما متأسفانه زمانی که کرونا وارد کشور ما شد قانون جامعی در

این حوزه نداشتیم و فقط اصل ۷۹ قانون اساسی^۱ ما وجود داشت که این اصل اشعار می‌دارد که در صورت بروز وضعیت اضطراری، محدودیت‌ها باید از طرف دولت اعلام شود و تشکیل ستاد ملی کرونا از جمله اقدامات ما در این حوزه بود. سؤال بنده این هست که چرا ما با آنکه جنابعالی از یک طرف در سمت نمایندگی پارلمان هستید و از سوی دیگر سوابق مدیریت بهداشت و درمانی هم دارید؛ چرا نظام اسلامی یعنی دولت و مجلس ما در این چهل سال به سراغ یک قانون جامع سلامت و قانون جامع مدیریت بحران‌های سلامت نرفتند، تا در زمان بروز بحران‌ها، بریا مدیریت بحران، نقش رسانه‌ها مشخص شده باشد؟

درواقع رسانه‌ها هستند اما بدون این که قانون و ماده در خصوص نحوه مواجهه با بحران‌ها وجود داشته باشد. ما قانون مطبوعات را بررسی کردیم و غیر از جایی که به موضوع ممنوعیت پخش شایعه اشاره دارد دیگر بحثی که مرتبط با مدیریت رسانه‌های بحران‌ها باشد نداریم و در قانون مدیریت بحران‌ها هم همین مشکل وجود دارد. چرا چنین قانونی را که نقش رسانه‌ها و تکالیف و وظایف رسانه‌ها را در مواجهه، مقابله و یا مدیریت چنین بحران‌هایی مشخص می‌کند، نداریم؟

آقای دکتر قاضی‌زاده هاشمی: عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت حضرت علی بن موسی الرضا علیه اسلام و کسب اجازه می‌طلبم از محضر حضرت ولی عصر ارواحنا فداه. همانطور که فرمودید ما در این دو سه روز بسیار پر کار و مشغله بودیم و انشالله که این مسئله باعث نشود که در این جلسه کم تمرکز باشم و امیدوارم بتوانم به خوبی مشارکت داشته باشم.

همانطور که شما فرمودید ما یک مشکل در نظام قانون نویسی داریم و آن بحث جامع نویسی است. مثلاً فرض بفرمایید که ما تعداد زیادی قانون داریم و قبلاً ما از حدود ۱۶ تا ۱۷ هزار ماده قانونی و قانون داشتیم؛ که مثلاً هم‌اکنون به تعداد ۱۰ هزار و خورده‌ای قانون رسیدیم و در این ادوار مجلس یک سری از قوانین را کم کردیم. ما در کشورمان بیش از ۱۰۰ سال سابقه قانون‌گذاری داریم و در این قانون‌ها، فقط به چند قانون جامع می‌شود اشاره کرد که به صورت جامع نوشته شده است و بقیه قوانین بیشتر در قالب ماده واحده بوده و به موضوعات و جزئیات پرداخته است و درصدد حل یک مسئله جزئی و پیش پا افتاده بوده است.

^۱ اصل هفتاد و نهم: برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از سی روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند.

ما یک عیب بزرگ‌تر در موضوع قانون‌گذاری داریم و آن عدم نگاه سیستمی است. هم قبل از انقلاب و هم بعد از انقلاب ما یک رویکرد سیستمی و جامعه‌نگری به مسائل نداشتیم و حوزه سلامت و تأمین سلامت مردم را به‌عنوان یک موضوع جامع ندیده‌ایم که به آن پردازیم و قانون نویسی کنیم و هر کجا که دست ما نرسیده است و با مسئله‌ای روبرو شدیم، در حاشیه آن مسئله، موضوع و مسئله دیگری را اصلاح کرده‌ایم و همین امر باز هم تضاد زیاد قانونی برای ما درست نموده است. البته ما تحت عنوان تنقیح قوانین الآن داریم کم‌کم به سمتی می‌رویم که قوانین جامع بنویسیم و قوانین را منقح کنیم. این یک مسئله است یعنی عدم نگاه جامع به موضوعات هست که از همه جهت به یک مسئله نگاه شود و تمام موضوعات و ذینفعان شناسایی شوند و برای تمام اجزای ذینفعان تعریف نقش بشود و اگر آن نقش ایفا نشود بگوییم که آن جرم است و یا تخلف است و باید با آن برخورد شود. مسئله دوم آن است که گویا این نیاز را هم مجالس مختلف قانون‌گذاری در کشور مرتفع نمودند! چون در کشور ما، تنها مجلس قانون‌گذاری در کشور، مجلس شورای اسلامی نیست! چون ما شورای عالی انقلاب فرهنگی را داریم، شورای عالی فضای مجازی، شورای عالی امنیت ملی و جاهای مختلف وجود دارد که چون این‌ها گروه‌هایی هستند که در ذیل دبیرخانه‌های خودشان تشکیل می‌شوند و قانون‌گذاری هم انجام می‌دهند.

مثلاً شورای عالی امنیت ملی یک کارگروه ارتباطات و رسانه دارد و در آنجا تصمیم‌گیری می‌کند و تصمیم‌گیری آن‌ها نیز ابلاغ می‌شود و حتی برای مجلس تعیین تکلیف می‌کنند و مسئله را ابلاغ می‌کنند که خود مجلس که مجلس قانون‌گذاری است باید از دستورالعمل ابلاغی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی تبعیت نماید و طبیعتاً رسانه‌ها نیز از آن‌ها تبعیت می‌کنند و این باعث می‌شود شاید این ابلاغیه‌ها در نهایت تبدیل به یک امر مدون نشود و نهایتاً سند قانونی تولید نکند ولی یک دستورالعمل موقت تولید می‌کند و آن دستورالعمل جاری می‌شود بنابراین احساس این‌که کمبودی وجود دارد و باید به آن ورود کرد و آن را اصلاح کرد از بین می‌رود؛ بنابراین یک مسئله عدم نگاه سیستمی و دومین مسئله هم وجود سازمانهای موازی است که می‌آیند و به نیازها به‌صورت نادرست، پاسخ زودگذر می‌دهند. فلذا سازمان‌ها و افراد متوجه نمی‌شوند که یک مسئله چقدر درست است و چه چیزی دقیق است و چه دستورالعملی تعهد آور است و بالاخره نهادهای مختلف مسئله را به‌گونه‌ای حل می‌کنند و کار به اینجا نمی‌رسد که دولت لایحه‌ای ارائه نماید و از طریق مجلس بتوانیم کار را جلو ببریم؛ بنابراین وجود مجالس مختلف در کشور در عرصه‌های مختلف مشکلی را ایجاد می‌کند که مهمترین مشکل همین است که ما همانند چنین جلسه‌ای را نمی‌توانیم برگزار کنیم و متخصصان را دعوت کنیم و بگوییم که شما چه وظایفی را انجام می‌دهید و چه می‌کنید و مجبورید از مجلس بپرسید. بنده باید بگویم که مهمترین مسئله پاسخگویی است یعنی عنصر پاسخگویی در کشور ما گم شده است؛ چرا گم شده است؟ چون یکی از دلایل آن این است که معلوم

نیست چه کسی باید پاسخ بدهد. بنابراین یک مشکل اساسی در خصوص جامع نویسی داریم که البته این موضوع در سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در حوزه قانون‌گذاری هم اشاره شده است. البته تنقیح قوانین هم که فرمودید در حال انجام است، هرچند که باید اصلاحاتی بر روی پروسه تدوین قوانین و مقررات هم صورت بگیرد.

آقای دکتر حبیب نژاد: آقای دکتر قاضی‌زاده هاشمی، ما دو تا رویکرد در قبال رسانه در رسانه با کرونا می‌توانیم داشته باشیم و یا داشته‌ایم.

اولین رویکرد آن است که استفاده از رویکرد با الفاظ جنگی است مثلاً عبارت (ما کرونا را شکست می‌دهیم) یا (شکست کرونا نزدیک است) را به کار می‌بریم. دومین رویکرد ما، رویکرد واقع بینانه است که مدیریت کرونا را دنبال می‌کند نه شکست کرونا را.

به نظر شما در این چند ماهی که گذشته است رویکرد ما کدام بوده است و شما به‌عنوان کسی که در بطن ماجرا هستید هم در مجلس و هم در ستاد ملی مقابله با کرونا (که البته شما جدیداً به این ستاد پیوسته‌اید، فلذا اشکالات قبل و پاسخگویی در قبال آن را از شما نمی‌خواهیم)

اما واقعاً کدام رویکرد را شما می‌پسندید؛ رویکرد جنگ طلبانه با کرونا و یا رویکرد واقع بینانه رسانه در حوزه کرونا؟

آقای دکتر قاضی‌زاده: اولاً که این موضوع که شما فرمودید (شکست کرونا)، بیشتر در حوزه شعار بود و چیزی که در عمل اتفاق می‌افتاد تعقیب کرونا بود. یعنی نه مدیریت بود و نه شکست.

در واقع کرونا کار خودش را می‌کرد و ما هم پشت سر آن می‌دویدیم تا هر چقدر بتوانیم مدیریت می‌کردیم و هر چقدر را هم نتوانستیم رها کردیم. بعد از اقدامی که به نظرم اتفاق افتاد تحت طرح شهید سلیمانی تا حدی مفهوم مدیریت کرونا شکل گرفت. چون وقتی از مدیریت کرونا صحبت می‌کنیم مسئله به معنای ابلاغ بایدها و نبایدها و دستورالعمل‌ها نباید باشد و مدیریت کرونا آن چیزی است که در عمل هست، چون ما در بحث مدیریت کرونا مدل‌های شناخته شده‌ای در دنیا داریم.

بحث شکست کرونا که نفهمیدیم چه فردی مخترع این عنوان بود؛ حالا چرا (شکست کرونا)؟ انگار ویروس‌ها بسیج شدند و در مقابل ما و در مرز ما هستند و ما می‌خواهیم با اسلحه به مقابله آن برویم و ما نمی‌دانیم که این عنوان به فکر چه کسی رسیده بوده است.

در ارتباط با بحث مدیریت کرونا هم ما به عبارت بهتر باید، مسئله مدیریت و همزیستی را باید مطرح می‌کردیم. یعنی نوع زیست ما تغییر پیدا می‌کرد و در موضوع کرونا، ما آن‌چنان نمی‌توانیم ویروس کرونا را مدیریت کنیم بلکه ما باید خودمان را مدیریت کنیم. مدیریت کرونا در واقع به این معنا است که ما می‌دانیم که بیماری کار خودش را می‌کند و ما باید خودمان و جامعه را مدیریت کنیم، بلکه ما باید سبک زندگی خودمان را اصلاح می‌کردیم، البته این مسئله که این شعار (شکست کرونا) شعار دقیقی بود یا خیر.

اما مدیریت کرونا روش‌های روشنی در دنیا داشت. دوتا روش استاندارد شده در این موضوع وجود دارد؛

۱. روش چینی‌ها

۲. روش کره‌ای‌ها.

در روش چینی‌ها مبتنی بر قرنطینه سازی سختگیرانه و مبتنی بر قرنطینه در منزل بود و همه افراد را در بر می‌گرفت و همه منطقه‌های آسیب دیده باید بسته می‌شد و همه در خانه‌هایشان محبوس می‌شدند.

اما در مدل کره‌ای که مدل هوشمند بود؛ در این مدل حجم بسیاری از افراد تست می‌شدند و افراد مرتباً سر چهارراه‌ها تست می‌شدند و هر کجا افراد را پیدا می‌کردند از آن‌ها تست می‌گرفتند، این تست‌ها، تست اجباری بود و بلافاصله افرادی که آلوده بودند جدا می‌شدند و قرنطینه سازی سختگیرانه در مقابل افراد آلوده اعمال می‌شد. اما متأسفانه در کشور ما برای ما مشخص نشد که بالاخره پروتکل ما چیست، فلذا زمانی که رویکرد شما مشخص نباشد مشخص نیست که شما می‌خواهید چه کاری انجام دهید و همان کارهایی که قرار بود انجام بدهیم را به صورت ناقص انجام دادیم. این که می‌بینید برخی از این مؤسسات بین‌المللی ما را جزو کشورهای ضعیف در بحث مدیریت کرونا قرار می‌دهند با اینکه به لحاظ ظاهر، آمار مرگ و میر کشور ما بسیار افول کرده است، این است که ما نباید لحظه‌ای به آمارها توجه کنیم. حرف خوبی را جناب آقای رئیسی معاون وزیر بهداشت اعلام کرد و آن این است که ما نباید لحظه‌ای به مرگ‌ومیرها توجه کنیم بلکه باید کل پروسه و مرگ‌ومیرها را رصد کنیم و در نهایت به این که زمانی که کرونا به پایان رسید مجموع میزان مرگ ما و بستری و ابتلا ما چقدر است و آن را به نسبت جمعیت، بررسی کنیم و بسنجیم و این هم حرف درستی است. ولی همین الآن بعضی از مؤسسات بین‌المللی مانند موسسه لوی را نگاه کردم و دیدم کشور ما را جزو چهار کشور ضعیف در مدیریت کرونا نامبرده بود و جالب این بود که آمریکا را به عنوان رتبه ضعیف بعد از ما ثبت کرده بود. همه این‌ها ناظر بر این است که چقدر میزان مداخلات ما به هنگام و درست است و می‌توانیم به آن عمل کنیم که متأسفانه در این مسئله ما ضعف داریم.

همین الان هم ما موضوعی و نه به صورت شبکه‌ای و سیستماتیک موضوع را پیگیری می‌کنیم.

مثلاً همین جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا که داریم به صورت موضوع به موضوع بحث می‌کند، درحالی‌که باید اصل مسئله تبیین شود و بعد دوباره در مورد آن بازنگری شود و بعد از آن نیروها به خط شوند و یک نظارت میدانی و عملی را به وجود بیاورند. یعنی آن قرارگاه عملیاتی که در موضوع کرونا شکل گرفته است، باید برود موضوع را دنبال کند و ببیند که چه موضوعاتی به درستی انجام می‌شود و چه مواردی به درستی انجام نمی‌شود، و متأسفانه این قرارگاه عملیاتی و ستاد مقابله با کرونا به خوبی و کامل کارشان را انجام نمی‌دهند و گویا

پیچ و مهره کار خوب سفت نیست.

به همین دلیل گزارش می‌دهیم که میزان مرگ و میر کرونا افت پیدا کرد و بعد از آن مجدد سیر مرگ و میر صعودی می‌شود و چه شهرهایی در وضعیت قرمز نارنجی و زرد قرار دارند و بعد از مدت کوتاهی وضعیت شهرها فوراً تغییریم کند؛ این نشان می‌دهد که واکنش ما به موضوع انفعالی است و وقتی روند گذشته را می‌بینیم، متوجه می‌شویم که ما کارها و زحمات زیادی می‌کشیم اما بیشتر اقدامات ما ممکن است منفعلانه باشد تا یک مدیریت فعال. ولی دوستان ما و طبیعتاً افرادی که در مرکز تصمیم‌گیری هستند از عملکرد خودشان دفاع می‌کنند و آن‌ها هم فکر می‌کنند که تصمیمات درست گرفتند و الان فکر می‌کنند که چون مرگ و میر کاهش پیدا کرده است، عملکرد خوبی داشته‌اند. مثلاً چون یک شرکت بین المللی گمان زنی کرده بود که آمار مرگ و میر ناشی از بیماری کرونا در ایران بالاتر از این هست و این گونه نشد، پس مسئولان ما می‌گویند که ما موفق شدیم. البته من نمی‌خواهم همه اقدامات را رد کنم زیرا بعد از طرح شهید سلیمانی اتفاقات بسیار خوبی افتاد اما اینکه ما چقدر می‌توانیم این کاهش مرگ‌ها را به این طرح نسبت دهیم و بعد از آن چقدر می‌توانیم اطمینان حاصل کنیم که پیک بعدی اتفاق نمی‌افتد هیچ کدام یک از این موارد را حتی مسئولین وزارت بهداشت هم نمی‌توانند با قاطعیت در مورد آن صحبت کنند.

جناب آقای دکتر حبیب نژاد: آقای دکتر قاسمی، آقای دکتر قاضی زاده هاشمی فرمودند که ما نمی‌دانیم چه فردی اولین بار این عبارت شکست کرونا را در رسانه خلق نموده است. خب مطمئناً این عبارت در رسانه و در زبان رسانه بسیار ذکر شده است، رسانه چه رویکردی را در خصوص مقابله و یا مدیریت و یا مواجهه با کرونا داشته است و چگونه به سمت شکست کرونا رفته است و آیا از این رویکرد دارد بر می‌گردد یا نه؟

جناب آقای دکتر قاسمی: بنده دو سه نکته قبل از آن که پاسخ سؤال شما را بدهم بیان می‌کنم. ببینید ما باید ببینیم که شرایطی که داشتیم و بعد کرونا در آن زمان وارد کشور شد، شرایط کشور چگونه بوده است؟

۱. در درجه اول شما به این نکته توجه داشته باشید که ما یک تصاویری از دنیای چین داشتیم. تصاویری که به نوعی بیماران در بیمارستانها با وضع حاد و بدحالی بودند و آن لباسهای آنچنانی را دیده بودیم و آن قرنطینهها و تصاویر خیابانها را دیده بودیم و با این تصاویر مردم وحشت کرده بودند و مردم نگران بودند که اگر این وضع شیوع کرونا و بیماری به کشور برسد چه اتفاقی برای کشور می افتد؟
۲. دومین نکته آن است که بالاخره این یک بیماری نادر و همه گیر بود و ما جزو اولین کشورها و یا شاید دو سه کشور اول بودیم که به آن مبتلا شدیم و هیچ تجربه‌ای در این خصوص نداشتیم، و تقریباً هنوز هم که هنوز است بسیاری از اطلاعات و تجربیاتی که ایجاد می‌شود بعد از مدت کمی بی‌فایده می‌شود، چون رفتار ویروس تغییر می‌کند.
۳. نکته سوم وجود فضای پر استرس بود که در کشور حاکم بود. در واقع ما فتنه آبان‌ماه را داشتیم، و بعد از آن شهادت سردار سلیمانی را داشتیم و بعد از آن زدن پایگاه عین الاسد بود و بعد از آن سقوط هواپیمای اوکراینی بود که همه اینها به شدت بر جامعه یک استرس و فشار سنگین را تحمیل کرده بود و مردم به شدت دچار استرس بودند و شرایط حادی را پشت سر می‌گذاشتند.
۴. نکته بعدی آن است که همه دنیا با ویروس کرونا دست به گریبان بودند و ما نیز علاوه بر آن با یکسری شبکه‌های معاند که علاوه بر وجود ویروس در کشور مردم را دچار استرس می‌کردند روبه‌رو بودیم، این رسانه‌ها اطلاعات غلطی را برای ناکارآمد نشان دادن مسئولین و جامعه، بی‌برنامگی در کشور به مردم ارائه می‌دادند و به مردم تحمیل می‌کردند و در واقع داشتند آمارهای ما را زیر سؤال می‌بردند؛ فلذا باید بگوییم که اینها موضوعاتی است که بسیار مهم است.
۵. مسئله بعدی آن است که در آن زمان (ورود و شیوع بیماری کرونا) ایامی بود که ما کم‌کم داشتیم به ایام عید نوروز نزدیک می‌شدیم و ایام عید نوروز اوج رفت‌وآمدها، ترافیک‌ها و مسافرت‌های مردم است که مردم برنامه‌ریزی می‌کنند تا برنامه‌های تفریحی داشته باشند و این مسئله و مدیریت کردن بیماری کرونا و فرهنگ‌سازی توسط رسانه کار دشواری بود.

آقای دکتر حبیب نژاد: آقای دکتر قاضی‌زاده آن چیزی که آقای دکتر قاسمی فرمودند که ویروس کرونا زمانی وارد کشور شد که مشکلاتی که ذکر کردند در کشور وجود داشت ولی واقعاً ارزیابی حضرت‌عالی در این خصوص چیست که اعتماد مردم نسبت به رسانه در حوزه سلامت ظاهراً بیشتر از اعتماد مردم در حوزه‌های دیگر بوده است؟ و اماره آن‌هم این است که شما در روز سیزده به در که به صورت سنتی مردم همگی به دامن طبیعت می‌روند واقعاً اینکه مردم را در خانه نگاه‌داریم نشان داد که مردم به رسانه‌ها اعتماد کرده بودند؛ فلذا شما این اعتماد شهروندان به مسئولان سلامت و رسانه‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید آیا تأیید می‌کنید و یا تکذیب می‌کنید؟

پاسخ آقای دکتر قاضی زاده: من با یک عبارت از شما مشکل دارم، باید بگوییم که مردم به رسانه‌ها اعتماد ندارند بلکه مردم به سلامت اعتماد دارند. در واقع به دلیل آنکه موضوع سلامت برای مردم مهم است این مسئله مسئله جدی برای آن‌ها محسوب می‌شود و به کسانی که در این حوزه برای آن‌ها گفت‌وگو می‌کنند، در آن مقطع اعتماد داشتند و این اعتماد شکل گرفت. البته در این مقطع اتفاقی که دارد رخ می‌دهد آن است که اختلافات کارشناسان و متخصصان حوزه سلامت مانند دعوای بین طب سنتی و طب جدید در موضوع کرونا و در موضوع واکسن وقتی علنی می‌شود ممکن است کم‌کم این اعتماد را از بین ببرد و این به اعتماد عمومی مردم خدشه وارد نماید اما در آن مقطع نظام سلامت کشور مورد اعتماد مردم بود و خب رسانه پیام مسئولین سلامت را به مردم رساند و مردم هم از آن تبعیت کردند. به‌عنوان نمونه مردم در حوزه سیاسی این‌گونه نیست که به رسانه بی‌اعتماد باشند بلکه به آن موضوع سیاسی بی‌اعتماد هستند. یعنی اصل بی‌اعتمادی به رسانه آن زمانی است که مردم به رسانه بی‌اعتماد هستند چون رسانه واقعیت را به آن‌ها نمی‌گوید ولی چون ما امروزه در عالم تکثر رسانه‌ها هستیم، در واقع رسانه‌ها به‌نوعی دست یکدیگر را رو می‌کنند و چون دوره مونولوگ گذشته است و گروه‌های مختلف در داخل و خارج از کشور در ارتباط با موضوعات مختلف صحبت می‌کنند؛ بنابراین من بعید می‌دانم که خود رسانه‌ها در ذهنیت مردم محل قضاوت باشند و یا قضاوتی که در مورد آن‌ها می‌شود قضاوت اصلی نیست بلکه قضاوت ثانوی است. در واقع اصل ماجرا خود آن موضوع است.

مثلاً در آن موضوع ممکن است مردم افرادی که این پیام را تولید می‌کنند، به آن‌ها اعتماد داشته باشند و یا نداشته باشند؛ فلذا به نظر بنده در حوزه سلامت، نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که جامعه سلامت یکی از گروه‌های مرجعی است که در مورد وثوق مردم هست و نگاه مردم نسبت به آن‌ها مثبت است فلذا زمانی که این گروه مسئله‌ای را بیان می‌کنند این مسئله به مردم اثر می‌گذارد.

آقای دکتر حبیب نژاد: آقای دکتر فرمودند که ما به‌صورت یک‌دفعه‌ای با موضوع کرونا مواجه شدیم و با یک بحران روبرو هستیم، در صورتی که ما بحران‌های ویروسی قبلی هم در جهان داشتیم، مانند سارس، ویروس ابولا؛ فلذا اگر چیزی شبیه کرونا و سارس و یا ویروس ابولا بیاید باید برای ما قابل فرض می‌بود. به نظر شما چرا نظام سیاسی و نظام قانون‌گذاری ما و مخصوصاً نظام رسانه‌ای ما هیچ آینده‌پژوهی در خصوص نحوه مدیریت و مقابله با بیماری‌ها نداشته است؟ زیرا غافلگیری برای من شهروند موردقبول است، اما رسانه با این همه هزینه و با این همه امکانات چرا اقدامی پیشگیرانه و بهتر ارائه نداد و چرا این آینده‌پژوهی زودتر از این توسط وزارت بهداشت و دانشگاه‌های علوم پزشکی و رسانه صورت نگرفت؟

پاسخ جناب آقای دکتر قاضی‌زاده: مشکل ما اینجاست که سیستم اداره کشور ما بیشتر گذشته‌نگر است. یعنی ما همیشه با معلول‌ها برخورد می‌کنیم و این‌گونه نیست که برویم تحلیل عامل را به دست بیاوریم و شبکه مسائل را تحلیل کنیم و به علل برسیم. به‌عنوان نمونه ما هر ۵ سال یکبار مرکز آمار ایران یک جمع‌آوری اطلاعاتی انجام می‌دهد و آن را آنالیز می‌کند و بعد مقایسه می‌کند آن را با آمار ۵ ساله قبل خود و یک‌روندی را از آن استخراج می‌کند و از آن روند به یک مسئله می‌رسد و از آن مسئله به یک راهکار و به یک قانون برنامه پنج‌ساله بعدی می‌رسد؛ فلذا وقتی این قانون ۵ ساله به اجرا می‌رسد، بازهم به مشکل برمی‌خوریم، چون حدود ۱۰ سال از برنامه عقب هستیم و این مبنای نظام برنامه‌ریزی ماست و ما همیشه به پشت سر نگاه می‌کنیم و توجهی به پدیده‌هایی که در حال رخ دادن هستند، نداریم. به نظر من حالا اینکه یک بحران است اما پدیده‌هایی که دیده می‌شود و همچون بحران نیست و به‌گونه‌ای رفتار آن را می‌بینیم و در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و فناوری و غیره وجود دارد، حتی به آن‌هم توجه نداریم و وقتی به آن می‌رسیم نمی‌دانیم که باید آن را چگونه مدیریت کنیم؛ فلذا لازمه این موضوع آن است که رویکرد ما در نظام برنامه‌ریزی کشور تغییر کند و از گذشته به آینده منتقل شود و الان خب این مسئله یک موضوع مدیریتی در دنیاست و به‌عنوان مدیریت آینده مطرح می‌شود و با توجه به تئوری سیاه‌چاله‌ها مطرح می‌شود و این تئوری بیان می‌کند که رشد علم و فناوری به‌صورت تابعی انجام می‌شود و در یک‌زمانی در حدود سال ۲۰۳۰ تا ۲۰۳۵ مجموعه علم و دانش بشر، هر یک دقیقه، دو برابر می‌شود. بنابراین ما باید ببینیم که آن نقاط اصلی و یا نظریات که در حال خلق شدن است و این نظریات که ممکن است تبدیل به یک موضوع شود، باید ببینیم که این نظریه چه چیزی است و از الآن برای مدیریت آن برنامه‌ریزی کنیم تا وقتی به آن پدیده رسیدیم بتوانیم آن را به‌درستی مدیریت کنیم. خب متأسفانه فرهنگ این مسئله در کشور ما وجود ندارد و خب طبیعتاً ما اول می‌گذاریم که یک اتفاق بیفتد و بعد به دنبال راه چاره می‌گردیم. مثلاً در بحران‌های اجتماعی ما نیز همین‌گونه است ما می‌دانیم رشد نقدینگی با جامعه چه می‌کند و تورم خلق می‌کند؛ ولی صبر می‌کنیم تا اتفاقات و بحران‌های زیادی ایجاد شود و بعد از آن به دنبال حل شورش‌های اجتماعی هستیم و تلاش می‌کنیم تا آن شورش اجتماعی که ناشی از همین تورم ایجاد شده است را مدیریت کنیم؛ چون این امر ظاهراً کار ساده‌تری هست و انجام اصلاحات نهادی کار مشکل‌تری است.

ظاهر می‌گویند که اگر کار را اساسی انجام ندهیم، به مشکل عظیم می‌خوریم، مانند آن ضرب‌المثلی که می‌گوید اگر سرچشمه را با بیل نبستید، پایین چشمه را نمی‌توانید با یک پیل هم مهار کنید. ولی حقیقتاً انجام کار اساسی، کار دشوارتری است تا برخورد با معلول و برخورد با معلول‌ها کار ساده‌تری است. در واقع برخورد با معلول‌ها به‌نوعی پوشاندن عیب است.

جناب آقای دکتر حبیب نژاد؛ یعنی شما می‌فرمایید که رویکرد و تعامل رسانه‌های ما با موضوعی به نام کرونا تابعی از نحوه مدیریت کشور ماست؟

جناب آقای دکتر قاضی‌زاده: به نظر من وضعیت رسانه‌های ما تابع نظام فکری ما با موضوعات مختلف است. به نظر من همان‌گونه که ما در همه عرصه‌ها به پشت سر نگاه می‌کنیم و نه به جلوی خودمان و به همین دلیل تند و سریع زمین می‌خوریم، حوزه رسانه ما هم همین‌گونه است. چون همه نگاهش به پشت سر است و چون جلوی پای خود را نمی‌بیند به سرعت و با شدت به زمین می‌خورد.

آقای دکتر حبیب نژاد: از یک منظر دیگر رسانه یک عنصر از عناصر مهم قدرت نرم هست آیا ما می‌توانیم بگوییم که نحوه مقابله رسانه با موضوع کرونا می‌تواند یک برآیندی باشد از قدرت نرم جامعه ما؟ یعنی اگر رسانه‌های ما ضعیف عمل کنند، برآیند آن این می‌شود که قدرت نرم جامعه ما کم هست و اگر ما بگوییم که حوزه رسانه ما قوی است قدرت نرم جامعه ما قوی خواهد بود؟ چون شما فرمودید که ما در حوزه مدیریت مبتکر و فعال نیستیم و بیشتر به حوزه معلول‌ها توجه می‌کنیم و حالت انفعالی داریم. مثلاً حداکثر آن‌که در زیر تلویزیون به صورت زیرنویس می‌نویسیم که شکست کرونا یا کرونا را شکست می‌دهیم؛ فلذا لطفاً نقش رسانه و قدرت نرم را بفرمایید که چه رابطه‌ای دارند و چه رابطه‌ای می‌توانند داشته باشند خصوصاً با رویکرد بیماری کرونا؟

پاسخ آقای دکتر قاضی‌زاده: ببینید زمانی که ما از قدرت صحبت می‌کنیم قدرت به معنای اقتدار است و قدرت به معنای این است که شما توان تصمیم‌گیری دارید و آن تصمیم‌گیری را می‌توانید اعمال کنید؛ فلذا آن است که اول شما می‌توانید تصمیم بگیرید و ثانیاً شما می‌توانید آن تصمیم را اعمال کنید. حالا وقتی موضوع ما (اجتماع پایه) است، و مربوط به مردم است، طریقه اعمال آن، رسانه است. یعنی رسانه باید یک تعامل مثبت و سازنده و ضریب نفوذ کافی بین آحاد جامعه داشته باشد تا بتواند یک پیام قدرتمند را به مردم منتقل کند و رفتارسازی کند، فلذا اگر رسانه توانست پیامی را هم منتقل نماید و هم رفتارسازی کند ما می‌توانیم بگوییم که ما موفق عمل کردیم. در واقع در آن زمان است که ما می‌توانیم بگوییم که این پشتوانه قدرت نرم وجود دارد.

البته بنده نمی‌خواهم بگویم که این مسئله نیست و یا کاملاً هست، یعنی به نظر بنده این وضعیت در دوره‌های مختلف تا حدودی به صورت سینوسی بوده است و در برخی موارد موفق‌تر عمل کردیم خصوصاً زمانی که توانستیم مردم را نسبت به موضوعی بیشتر حساس کنیم و یا در زمانی موفق‌تر بوده‌ایم که بیشتر با مردم گفتگو کرده‌ایم و یا از زبان خود مردم با مردم گفتگو کردیم و یا از زبان متخصصین با مردم گفت‌وگو کردیم یعنی به جای آنکه بیاییم در حوزه سلامت، رسانه از زبان حاکمیت با مردم حرف بزند، باید رسانه تلاش کند تا از زبان بایدونباید

و قانون و دستورالعمل با مردم صحبت نکند، بلکه رسانه در مواجهه با کرونا زبان نیاز مردم و با زبان مردم و معتمدین مردم که متخصصین این حوزه هستند گفت‌وگو نموده است و در آنجا رفتارسازی و موفقیت ما بیشتر بوده است.

به عبارت بهتر برای قدرت نرم، نحوه و کیفیت و عمل هنرمندان رسانه هم مهم است یعنی نفس اینکه ما ارزشی را می‌خواهیم منتقل کنیم مهم است اما اینکه این ارزش را در قالب چه بسته‌ای منتقل کنیم مهم‌تر است، در واقع بسته‌ای که آن ارزش را در قالب آن ارائه می‌دهیم از خود موضوع مهم‌تر است.

آقای دکتر حبیب نژاد: آقای دکتر قاسمی فرمودید که در زمان ورود ویروس کرونا به کشور، حوادث غیرمترقبه‌ای در کشور از قبل رخ داده بود و بلافاصله کرونا هم بعد از آن وارد کشور شد و بر مشکلاتمان افزود.

اما سؤال بنده این است که چرا آمادگی در مواجهه با کرونا وجود نداشت؟ به‌عنوان مثال در سیل فروردین‌ماه شبکه‌های مختلف مجازی همچون تلگرام و اینستاگرام به مردم اعلام می‌کردند که سیل در حال وقوع است، مردم این پیام را دریافت کرده بودند اما اعلام می‌کردند که اگر من بیرون بروم کجا بروم و به کجا پناه ببرم؟ یعنی همیشه مدیریت ما به‌صورت سلبی بوده است نه به‌صورت ایجابی. مثلاً به مردم بگوییم که مردم خانه‌های خود را ترک کنید اما اینکه کجا برویم و یا اینکه تدابیری در این خصوص بیندیشیم نداشتیم. مثلاً در موضوع کرونا شما اعلام می‌کنید که‌ای مردم در خانه بمانید، خوب مردم این سؤال برایشان ایجاد می‌شود که در خانه بمانیم و چه کنیم.

آقای دکتر حبیب نژاد: آقای دکتر قاضی‌زاده الآن ستاد ملی مبارزه با کرونا واقعاً یک اصول و قواعد مکتوب مدون و شفافی در خصوص مواجهه رسانه با کرونا دارد یا خیر و آیا چنین چیزی تصویب شده است یا وجود دارد؟

آقای دکتر قاضی‌زاده: از زمانی که بنده در ستاد مقابله با کرونا هستم که نه چیزی وجود ندارد.

از قبل هم بنده در دستورات چیزی را در این خصوص مشاهده نکردم ولی قرارگاه عملیاتی ستاد ملی مقابله با کرونا وجود دارد که جناب آقای رحمانی فضلی وزیر کشور ریاست آن را بر عهده دارد؛ که یک جورایی کار اطلاع‌رسانی و مدیریت افکار عمومی را بر عهده‌دارند و جزء وظایف این قرارگاه به‌حساب می‌آید؛ فلذا باید دید که قرارگاه تا چه حد توانسته وظایف خود را به‌درستی انجام دهد و یا به نتیجه برساند و یا دستورالعملی برای این کار تبیین نموده است یا خیر؟! من حقیقتاً در این خصوص اطلاع کافی ندارم.

آقای دکتر حبیب نژاد: ما دو نوع رسانه را می‌توانیم تفکیک کنیم؛ یک رسانه رسمی که شامل صداوسیما و روزنامه‌هاست و یک رسانه مجازی و شبکه‌های اجتماعی که وجود دارد؛ به نظر شما کدام یک از این دو رسانه موفق‌تر بوده است در بحث مواجهه با کرونا؟

پاسخ جناب آقای دکتر قاضی‌زاده: به نظر بنده مردم اعتماد کافی به کسانی که در مبادی رسمی پیام سلامت تولید می‌کنند دارند و طبیعتاً رسانه‌های رسمی در این خصوص نقش آفرینی بیشتری داشتند یعنی صداوسیما به‌ویژه مرجعیت زیادی در حوزه کرونا برای مردم داشته است و هنوز هم این مرجعیت را دارد.

آقای دکتر حبیب نژاد: به نظر من اماره این موضوع بحث سیزده‌به‌در بود.

آقای دکتر قاضی‌زاده: به نظر بنده اتفاقات زیادی بوده است که مثالی برای این مسئله به شمار می‌رود. به‌عنوان نمونه زمانی که می‌خواستیم دو هفته کشور را به‌صورت کامل قرنطینه کنیم و یا شهرهای قرمز، زرد، نارنجی را تعیین کنیم؛ بالاخره صداوسیما توانست با تولید برنامه‌های مطلوبی در این حوزه اثرگذاری بسیار جدی در این حوزه داشته باشد. البته بنده در آن زمان روزنامه‌ها را رصد نکردم تا بتوانم یک اظهارنظر دقیقی در این خصوص داشته باشم.

جناب آقای دکتر حبیب نژاد: البته بنده در این خصوص اطلاع دارم که برخی از برنامه‌هایی که قرار بود در عید نوروز سال آینده پخش شود پخش می‌شود حتی باعجله این برنامه‌ها را به عید نوروز سال ۱۳۹۹ رساندند که مردم سرگرم باشند.

آقای دکتر حبیب نژاد: بحث سواد سلامت و سواد بهداشتی موضوع بسیار مهمی است و حضرت‌عالی چون متخصص حوزه پزشکی هم هستید؛ چه میزان رسانه‌ها را در تقویت این سواد که سواد مهمی به شمار می‌رود، موفق می‌دانید و یا چه انتظاراتی در این خصوص دارید؟

پاسخ آقای دکتر قاضی‌زاده: سواد رسانه‌ای مردم ممکن است از چند طریق ایجاد شده باشد؛ یک منشأ خانواده است که تربیت خانوادگی و اطلاعاتی است که خانواده به‌خصوص مادرها به بچه‌ها ارائه می‌دادند که این مسئله در مورد مادران قدیمی بسیار بالا بود؛ که اطلاعات بسیار مثبتی را به فرزندانشان منتقل می‌کردند و حتی می‌توانستند بعضی از بیماری‌ها را مدیریت کنند. و بعدازآن مدارس هستند و در دوران اخیر نقش مادران و خانواده و مدارس کم‌رنگ‌تر شده است و نقش رسانه‌ها پررنگ‌تر گشته است. یعنی مردم اطلاعاتی را که در حوزه سلامت دارند و برای آن‌ها مسئله مهمی است، تماماً این اطلاعات را از رسانه دریافت می‌کنند و رسانه‌ها برایشان باور سازی می‌کند و به آن‌ها جهت می‌دهند و طبیعتاً نقش رسانه در این خصوص بسیار پررنگ است.

آقای دکتر حبیب نژاد: آقای دکتر قاضی زاده اگر بخواهید که چند بایسته و یا باید و یا الزام برای رسانه در دوره‌ای که به دنبال مواجهه و مدیریت کرونا هستیم و کرونا تمام نشده است بیان کنید، چه توصیه‌هایی در حوزه رسانه دارید که رسانه‌ها باید این اصول را رعایت کنند؟ و اگر این اصول را رعایت نکنند چگونه می‌توانیم بحث مدیریت رسانه‌ای کرونا را داشته باشیم.

پاسخ‌های دکتر قاضی زاده: نقش رسانه به‌خصوص در حوزه سلامت مرجعیت بخشی است، یعنی مردم به کدام مرجع مراجعه کنند و این رسانه است که می‌تواند مرجع درست برای مردم ایجاد کند (. مرجعیت بخشی) به معنای آن است که رسانه موظف است تا مرجعیت بخشی به متخصصان علمی و قانونی داشته باشد؛ زیرا متخصصان علمی و قانونی باید مرجع اظهار نظر باشند و افکار عمومی را مدیریت کنند و وقتی رسانه در کنار مراجع علمی و قانونی باشد یعنی آن مرجع علمی، قدرت پاسخگویی داشته باشد. اگر رسانه‌ها در کنار مراجع علمی و قانونی هزار مرجع غیرقانونی را نیز درست کنند، این مسئله سردرگمی ایجاد می‌کند و باعث عدم یکپارچگی در رفتار جامعه می‌شود. مثلاً مردم آمریکا در مورد اینکه ترامپ اعلام می‌کرد که نباید ماسک بزنیم، نمی‌دانستند که بالاخره ماسک بزنند یا نزنند و در واقع این عدم یکپارچگی در رفتار مردم ایجاد شد. یعنی این ابهام برای مردم ایجاد شده بود که بالاخره کدام رفتار برای آنان درست است و یکی از دلایل مرگ بالای مردم جامعه آمریکا هم شاید همین باشد. به دلیل آنکه آن مرجعیت علمی و قانونی جایگاه خود را از دست داد و در کنار آن با یک صدای قوی یک حرف مخالف زده شد و به همین خاطر مردم نفهمیدند که باید با کرونا چگونه برخورد کنند.

یعنی مدیریت منسجم در مقابله با کرونا نیازمند یک صدایی است و (مرجعیت بخشی) به یک نهاد درست و صحیح است یعنی آنجایی مرجع شود که آن نهاد جنبه تخصصی و علمی داشته باشد و جنبه پاسخگویی درست و قانونی هم داشته باشد.

آقای دکتر قاسمی: بالاخره الان کل دنیا گرفتار این بیماری است. به نظر بنده این‌که بگوییم چون بیماری ابولا و سارس وجود داشته است و ما باید از قبل آمادگی مواجهه با بیماری کرونا را پیدا می‌کردیم، به نظر بنده زیاد حرف دقیقی نیست. به دلیل آنکه در مورد بیماری کرونا یک پاندمی و یا جهانگیری جهانی شکل گرفته است، دوم آنکه ما باید قبول کنیم که در روزهای اول کل دنیا با این ویروسی که هرروز اطلاعاتش عوض می‌شد و نحوه مقابله با آن عوض می‌شد، روبه‌رو بودیم و هستیم و ضمن اینکه جهش‌هایی که در ژنوم ویروس اتفاق می‌افتاد همه این‌ها در واقع یک سردرگمی جهانی برای کشورها ایجاد نمود.

بنده اعتقاد دارم که ما با یک شرایط به‌نوعی جدیدی مواجه شدیم و در شرایط بحران قرار گرفتیم ولی به‌صورت آهسته وزارت بهداشت بر موضوع مسلط شد و اتفاقاً اندکی می‌توان به وزارت بهداشت خرده گرفت که رویکرد اول وزارت بهداشت در اوایل همه‌گیری ویروس کرونا بیشتر بر مبنای درمان محوری بود و بعد از آن اندک‌اندک رویکرد وزارت بهداشت به حالت پیشگیری و بهداشت محوری برگشت. این باعث شد که ما یک مقدار بهتر توانستیم کار کنیم و کار کارشناسی انجام بدهیم. ما اتفاقاً در همان روزهای اول، سیاست را در مورد این مسئله قرار داریم و این سیاست‌ها با توجه به شرایطی که وجود داشت اتخاذ شد.

۱. اطلاع‌رسانی خیلی سریع و دقیق

۲. آموزش مسائل بهداشتی و رفتاری بود که مردم باید انجام می‌دادند.

۳. بحث آرامش بخشی و کاهش وحشت مردم بود.

این سه رویکرد اصلی ما بود که در مواجهه با کرونا در پیش گرفتیم و به نظرم این رویکردها بسیار درست است چون شما باید همه این سیاست‌ها را ارزیابی کنید. ارزیابی ما این است که مردمی که سالیان سال در رفتارهای خود دست دادن و روبوسی کردن و رفت‌وآمد جزو شرایط زندگی‌شان بوده است الآن دیگر روبوسی نمی‌کنند و دست نمی‌دهند و خوشبختانه خیلی از افراد جامعه ما حتی نسبت به جوامع غربی رفتار متمدنانه را از خود نشان دادند.

دکتر حبیب نژاد: آقای دکتر قاضی‌زاده شما برای رسانه در دوران پسا کرونا، مدیریت رسانه ما باید به چه نحوی باشد؟

آقای دکتر قاضی‌زاده: ببینید آن چیزی که ما باید دنبال کنیم اصلاح سبک زندگی است که در صحبت‌های آقای دکتر قاسمی هم بود. تا وقتی که ما به دنبال درمان بودیم موفقیتی نداشتیم، اما از زمانی که به دنبال بالا بردن سطح سواد مردم، افزایش محافظت استفاده از وسایل محافظتی و اقدامات فعال محیطی برای قرنطینه فعال و کنترل مردم بودیم، نتایج مطلوب‌تری را به دست آوردیم. بنابراین مثل همان می‌ماند که شما یک‌عمر مردم را آموزش می‌دهید که شاید یک روز زلزله بیاید، و برای آن مانور زلزله و غیره را برگزار می‌کنید.

این جهش‌های ویروسی جدید و بیماری‌های نوظهور و تکرار آن‌هم از جمله آنفولانزا و کرونا، این موضوع را نشان می‌دهد که ما با دوره‌ای از بیماری‌های عفونی فراگیر و خطرناک روبه‌رو هستیم و مردم باید این را به لحاظ روانی درک کنند و با آن آشنا باشند و در مورد آن آموزش ببینند و مهارت کسب کنند و مانور دهند و مانورهایی برای آن برگزار شود. که این‌یک دوره جدیدی از موضوع تعلیم و تربیت و کار رسانه‌ای را می‌طلبد و در این

حوزه حتی متون درسی ما باید به آن پردازد و این موضوع در سینما هنر مطرح شود. مثلاً می‌بینید آمریکایی‌ها با آنکه خودشان هم اوضاعشان بسیار خراب است مدت‌هاست که با فیلم‌های هالیوودی روی موضوعات کار می‌کنند و به مردم هشدار می‌دهند و به نظر من باید در این حوزه‌ها باید کار جدید انجام دهیم تا بتوانیم در همچنین موضوعاتی از تلفات بکاهیم و مردم آمادگی کافی برای پذیرش موضوع و همراه شدن با مسئله را داشته باشند.

آقای دکتر حبیب نژاد: آقای دکتر قاضی‌زاده، آیا پارلمان و قانون‌گذاری هم به این سمت می‌رود که یک قانون جامع در حوزه سلامت، بهداشت و قرنطینه داشته باشیم؟

آقای دکتر قاضی‌زاده: ببینید به نظر بنده باید این مسئله به صورت لایحه از سوی دولت مطرح شود و به مجلس وارد شود و طبیعتاً باید دولت این لایحه را تنظیم کند و به مجلس ارسال کند تا ما هم آن را بررسی کرده و به آن پردازیم.

دکتر حبیب نژاد: دکتر قاسمی ادامه صحبت‌های خودشان را تکمیل بفرمایید.

دکتر قاسمی: بحث بنده این بود که باید یک ارزیابی درست داشته باشیم که رسانه‌ها مخصوصاً رسانه ملی چه میزان در مدیریت موضوع کرونا تأثیرگذار بوده است. ما بالاخره باید یک رفتار اجتماعی و یک رفتاری که سالیان سال جزو فرهنگ ما بوده است را به نوعی حذف می‌کردیم و این دست دادن و ربوبی کردن آن‌ها اتفاقی بوده که رسانه ملی بعد از یکی دو ماه آن را برای همه جا انداخت و تبیین کرد. بالاخره در موضوع شب عید نوروز که شلوغ‌ترین ایام رفت و آمد مردم هست، ما اوج رفتار رسانه و تأثیر آن را بر مردم در موضوع عید نوروز دیدیم، چون بالاخره در ایام عید نوروز بقیه رسانه‌ها تعطیل بودند و رسانه ملی نقش مؤثری را ایفا کرد. به عنوان نمونه در ایام سیزده‌به‌در تقریباً کسی بیرون نیامد و این نشان‌دهنده توانمندی رسانه ملی است.

آیا تاکنون در دنیا سابقه نداشته است که در دنیا نزدیک ۷۰ میلیون در یک سامانه ثبت‌نام کنند و وضعیت خود را ثبت نمایند و وضعیت سلامتی خود را اعلام کنند و این اتفاق در کشور ما افتاد و این کار شکل گرفت و لذا عرض بنده این است که شما فرمودید چرا عبارت کرونا را شکست می‌دهیم در شبکه‌ها و رسانه‌ها مطرح شد؟ به نظر من چون در شرایطی که مردم به شدت احساس یأس و ناامیدی و ترس و وحشت داشتند ایجاد یک شعار حماسی، که با همدیگر می‌توانیم کرونا رو شکست دهیم، یک اتفاق بود که اشعار حماسی را شکل داد و با طراحی کلی وزارت بهداشت صورت گرفت و این در شرایطی است که یک ویروس جدید وارد کشور شده است و هنوز کل دنیا به انحاء مختلف درگیر آن هستند و به نظر بنده با توجه به شرایط کشور که واقعاً خود

آمریکایی‌ها اعلام کردند که فشار حداکثری و تحریم‌های حداکثری هم وجود داشت و بدیهیات اولیه مسائل بهداشتی و پزشکی را از ما دریغ کرده بودند و ما با تأمین آن مشکل داشتیم، من معتقد هستم که روند کنترل بیماری به اتفاقاتی که بعد از آن شکل گرفت در مقایسه با کل دنیا بسیار بهتر بوده است.

با وجود آنکه وضعیت ما از سایر کشورها بهتر نبود و بسیار بهتر از این نمی‌توانستیم عمل کنیم اما با وجود شرایط موجود ما یک عدد و رقم مطلوب را ارائه کردیم و نمره قبولی خوبی در این موضوع دریافت کردیم.

من یک مثال دیگری در این خصوص می‌زنم و اینکه مردم به خاطر ترس از بیماری هجوم برده بودند به سمت بیمارستان‌ها و ما باید این بار را از دوش بیمارستان‌ها کم می‌کردیم و اعلام کردیم که شما اگر که علامت تب و سرفه خشک و تنگی نفس دارید فقط مراجعه کنید؛ فلذا یکبار با این اعلام رسانه ملی باری عظیم از روی دوش کادر درمان برداشته شد و توانستند خدمات‌رسانی خود را بهبود بخشند و این نشان می‌دهد که رسانه زمانی که دست‌به‌دست مجموعه جامعه پزشکی می‌گذارد و حرفی را می‌زند به شدت مردم از آن استقبال می‌کنند. همچنین خوشبختانه آن جریان سازی که رسانه‌های معاند در روزهای اول در کشور ایجاد می‌کردند و ترس و وحشت ایجاد می‌کردند و آمارهای غلط می‌دادند، این جریان سازی با شکست مواجه شد. البته باید بسیار مواظب باشیم که خدای نکرده در آینده به سمت ساده‌انگاری و عادی‌نگاری و این‌ها نرویم، چون تا زمانی که این بیماری هست، باید با آن کار کنیم تا بتوانیم آن را مدیریت کنیم.

جناب آقای دکتر حبیب نژاد: آقای دکتر قاسمی شما فرمودید که کرونا سبک زندگی مردم را تغییر داده است و به نظر شما در عصر پسا کرونا رسانه چقدر می‌تواند در تغییر سبک زندگی مؤثر باشد و چه میزان رسانه می‌تواند در دوره پس از کرونا اثرگذار باشد؟ به این دلیل این مسئله را می‌گویم که به محض آنکه کرونا وارد کشور شد رسانه زحمت زیادی کشید و بنده به آقای دکتر قاضی‌زاده عرض کردم که شما در روز سیزده بدر که جزو واجبات یک شهروند ایرانی است که حتماً در مراکز و تفرجگاه‌ها بروید، مردم این کار را نکردند و در خانه ماندند و مطمئناً این به خاطر کار رسانه‌ای بود و اگر کار آسانی نبود قطعاً در روز سیزده به در این اتفاقات نمی‌افتاد. حال سؤال من این است که چه اصول و قواعدی باید بر رسانه‌ها حاکم باشد تا در حوادث و بحران‌هایی مثل کرونا مردم این چنین به رسانه اعتماد کنند؟

آقای دکتر قاسمی: به نظر بنده مراقبت رسانه از این که مرجعیت خودش را حفظ کند یک نکته بسیار مهم و حیاتی است که یکی از مشکلات مهم و جدی ما این است که خیلی‌ها ادعاهایی داشتند که آن‌چنان پایه علمی نداشت و حداقل به اثبات نرسیده بود. اینکه مردم از کانال علمی مطالب را دریافت کنند، فشار سنگینی را بر

رسانه‌ها می‌آورد؛ زیرا رسانه‌ها باید جلوی بسیاری از افرادی که توصیه‌های نامناسب را به مردم ارائه می‌دادند را می‌گرفت و این حفظ مرجعیت به نظر بنده موضوع بسیار مهمی است که نیاز به حمایت و پشتیبانی دارد.

بنده معتقد هستم که رسانه ملی در حوزه سلامت، قدم‌های بسیار خوبی در این حوزه برداشته است بالاخره بنده حدود ۲۵ سال است که در این رسانه کار می‌کنم.

الآن با توجه به بروز مسئله کرونا این مسئله موجب شده است که سلامت در اولویت قرار بگیرد و مردم احساس کنند که یک موضوع بسیار جدی در پیش است و الحمدالله و خوشبختانه اتفاقات خوبی به دنبال این مسئله رخ داده است. و مسئله کرونا موجب شده است که سواد رسانه مردم ارتقا پیدا کند. واقعاً حرف‌هایی که در فضای مجازی و شبکه‌های معاند زده می‌شد اکثر توصیه‌ها اشتباه و غلط و غیرعلمی اعلام می‌شد و با افزایش سواد رسانه‌ای، خودبه‌خود مردم با دانش و علمی که پیدا کرده بودند آن‌ها را تشخیص می‌دادند و به آن عمل نمی‌کردند. همه این مسائل از جمله عدم رفت‌وآمدها در درازمدت ممکن است افسردگی‌ها و استرس‌هایی را به دنبال داشته باشد و به دنبال آن ممکن است خدای نکرده سوءمصرف مواد مخدر را داشته باشد. همه این‌ها مواردی است که به ما هشدار می‌دهد که باید نشاط اجتماعی را افزایش دهیم و هم مسئولین باید در حوزه افزایش نشاط مردم سیاست‌گذاری کنند و بعد از کرونا، رسانه ملی هم باید در این خصوص کارهای لازم را انجام دهد.

همچنین یکی دیگر از موضوعات جدی که به نظر من باید در حوزه سلامت به آن توجه کنیم این است که بسیاری از افراد مراجعاتشان به مراکز درمانی و پیگیری درمانشان و حتی بیماری‌هایی که داشتند و مراجعاتشان را به تأخیر انداختند؛ فلذا ممکن است در آینده مشکلاتی را برای آن‌ها فراهم آورد که باید در این زمینه فرهنگ‌سازی لازم صورت پذیرد.

یکی از کارهایی که در این ایام ما به دنبال آن هستیم، بحث واکسن است و همین‌الآن موضوع واکسن یک چالش جدی است که ما باید به آن حواسمان باشد و از نکاتی که شبکه‌های معاند بیان می‌کنند و فکر مردم را مشوش می‌کنند، جلوگیری کنیم و باید بهترین تصمیم را بگیریم و بهترین عملکرد را داشته باشیم تا مردم بتوانند به ما اعتماد داشته باشند.

آقای دکتر حبیب نژاد: آقای دکتر قاسمی نظر شما در خصوص اینکه هر رسانه‌ای الزاماً باید یک میز بحران داشته باشد چیست؟ ظاهراً چنین چیزی وجود ندارد و نشانه آن‌هم این است که در قوانین و مقررات مثلاً قانون مطبوعات و یا حتی در قانون مدیریت بحران شما نکات خیلی خاص در خصوص اینکه مطبوعات و رسانه در زمان بحران باید چه کار کنند نداریم.

با توجه به سابقه حضرت عالی در صداوسیما دارید چه میزان این میز بحران در رسانه‌ها می‌توانند به ما در مدیریت بحران کمک کند؟

این مسئله مسئله‌ای بسیار حیاتی و مهم است که متأسفانه کشور ما یک‌زمانی هر دو سال، یک اتفاقی می‌افتاد اما هم‌اکنون در شرایطی هستیم که هر ساله دو یا سه بحران را پشت سر می‌گذاریم و این مسئله واقعاً جزو نیازهای مهم است که باید یک میز بحران داشته باشیم و بنده هم آن را قبول دارم. البته مراکزی درست‌شده است که این تصمیمات را اتخاذ کنند اما باز هم ورود بیماری کرونا موجب شد که یک تمرین سراسری در این حوزه صورت پذیرد. این کرونا موجب شد که رسانه‌های کشور با یکدیگر بسیار هماهنگ‌تر شوند و نزدیک به یک سال هست که بنده در ستاد اطلاع‌رسانی مبارزه با کرونا فعال هستیم و با جدیت در حال کار و فعالیت هستیم و همین هماهنگی که امروزه ایجاد شده است به دنبال بروز کرونا ایجاد شده است.

امیدواریم این مسائل و این هماهنگی پیش در آمدی باشد برای اتفاقات بعدی و امیدوارم با استفاده از تجربیاتی که در دوران کرونا اندوخته‌ایم، بتوانیم مسائل آینده را بهتر مدیریت کنیم.

آقای دکتر حبیب نژاد: آقای دکتر قاسمی ستاد اطلاع‌رسانی مبارزه با کرونا زیرشاخه ستاد ملی کرونا است مهم‌ترین اقداماتی که تاکنون انجام داده است چه مواردی بوده است؟

پاسخ آقای دکتر قاسمی: یک ستاد اطلاع‌رسانی هست که زیر نظر ارشاد و ستاد مقابله با کرونا فعالیت می‌کنند و تقریباً هر هفته فعالیت می‌کند.

جلسه ستاد اطلاع‌رسانی کرونا جلساتشان هر دو هفته یک‌بار هست ولی کمیته خبری مقابله با کرونا در هفته جلسه می‌گذارد و به فراخور هر اتفاقی جلسه تشکیل می‌دهد. به‌عنوان نمونه در طول مدت از شروع کرونا و شب‌های احیا و بعد از آن سفرهای تابستانی و بعد از آن مراسم‌های مذهبی و ایام محرم و اربعین و غیره را داشتیم به نظر بنده باید در هر مناسبت و هر موضوعی، سیاست را متناسب با آن موضوع طراحی و تبیین می‌کردیم و به‌درستی آن را اطلاع‌رسانی می‌کردیم و به نظر من ستاد اطلاع‌رسانی مقابله با کرونا به‌خوبی توانست تولید محتوای خوبی را برای رسانه‌ها داشته باشد و به وظایف خود به‌خوبی عمل کند.

آقای دکتر حبیب نژاد: آقای دکتر قاسمی شما فرمودید که کرونا آثار مستقیمی بر روی مرگ و میرها داشته است و یکسری آثار هم داشته است که مربوط به آثار روحی و معنوی می‌شود مانند افسردگی و این‌ها و فرمودید که رسانه‌ها باید نشاط اجتماعی را ایجاد کند به نظر شما تاکنون رسانه ملی در خصوص این نشاط اجتماعی چه اقداماتی انجام داده است و به نظر شما باید چه کارهایی در آینده انجام دهد؟ چون واقعاً مردم از در خانه ماندن

خسته شدند، دانشگاه‌ها که بسته مدارس است و معلم و دانش آموزان هم که در خانه هستند و این بحث‌های افسردگی شدیداً در آمار زیاد شده است.

پاسخ آقای دکتر قاسمی: ببینید واقعیت آن است که در درجه اول یکی از کارهایی که رسانه از همان روزهای اول شروع کرونا قبل از اسفند سال گذشته انجام داد آن بود که فضای رسانه را عوض کردند و فضای عیدانه را ایجاد کردند و درعین حال به مردم اعلام کرد که در خانه‌ها بمانند به نظر می‌رسد هر آنچه که رسانه در چنته داشت رو کرد. ولی ما بارها پیگیری کردیم و سازمان صداوسیما هم پیگیری کرد مجلس هم کمک کند که بالاخره در این ایام باید برنامه‌های جذاب و طنز و برنامه‌هایی که حس نشاط و امید به مردم منتقل کند را بسازیم و پخش کنیم و این یک موضوع جدی است که خوشبختانه سازمان هم پیگیر هست و سازمان تلاش می‌کند تا سریال‌ها و مستندهای خوب و برنامه‌های نمایشی خوب را بسازد و پخش نماید ولی اگر این مسئله پشتیبانی نشود تا یک مرحله این تلاش‌ها جلو می‌رود ولی اگر این حمایت ادامه پیدا نکند ممکن است این پروژه‌ها نیمه‌کاره رها بماند و آثار خود را بر روی سلامتی مردم بگذارد و هزینه‌های بسیاری را بر ما تحمیل کند اما باین حال ما تلاش می‌کنیم برای اینکه به مردم خبرهای منفی ندهیم و خبرهای مثبت هم به مردم اعلام کنیم و خبرهای امیدوارکننده را به مردم اعلام کنیم. و تلاش می‌کنیم تا جلوی حجم خبرهای منفی را بگیریم ولی خب تا زمانی که این کرونا به پایان رسد مردم خودشان بر اساس سلیقه خودشان نتوانند برای خودشان برنامه‌ریزی کنند به شبکه‌های ارتباطی خودشان را شکل دهند فقط اقدامات ما می‌تواند به‌عنوان مسکن موقت باشد وگرنه ما به‌عنوان رسانه برنامه‌ریزی‌های خودمان را کردیم و هم تولیدات خوبی داشتیم اما به نظر من این اتفاق باید در سطح جامعه رخ بدهد خصوصاً همه افرادی که در حوزه اجتماعی مشغول فعالیت هستند و روی مسئله نشاط اجتماعی و سرمایه اجتماعی کار می‌کنند باید آن‌ها هم وظایف خود را به‌خوبی انجام دهند. البته ما این موضوع را از طریق مطالبه‌گری هم پیگیری می‌کنیم.

آقای دکتر حبیب نژاد: آقای دکتر قاسمی، کشورمان به‌گونه‌ای است که از هر چیز امکان بهره‌برداری سیاسی وجود دارد و سیاسی کردن موضوعات برای ما بسیار مهم است از تخم‌مرغ و گوشت گرفته تا آپولو در ماه و کرونا هم از این موضوع بی‌نصیب نمانده است. کرونا هم تبدیل به یک موضوع سیاسی شده است، به نظر شما چقدر این سیاسی کردن موضوعات در مورد کرونا در رسانه‌ها و اطلاع‌رسانی رسانه‌ها و کیفیت کار شما تأثیر گذاشته است؟

پاسخ آقای دکتر قاسمی: خوشبختانه یکی از برکاتی که در کنار کرونا کسب کردیم، آن بوده است که مردم در این یک سال، یک دانش و علمی نسبت به مسائل بهداشتی پیدا کردند، بدین ترتیب که مردم متوجه شدند که

حرف هر مرجع علمی را نپذیرند. آمار و ارقام هم این موضوع را تأیید می‌کند. این نظرسنجی‌ها هم شامل نظرسنجی‌های داخلی و خارجی است و نظرسنجی‌های داخلی شامل نظرسنجی‌های وزارت بهداشت و وزارت ارشاد هست؛ فلذا تجربه به ما نشان می‌دهد که زمانی که کل یک جامعه بر روی یک موضوع تمرکز پیدا می‌کند و برای رسیدن به هدفی با یکدیگر متحد می‌شود قطعاً به نتیجه مطلوب خواهد رسید.

به‌عنوان نمونه در زمانی که دو هفته کشور کاملاً تعطیل شد واقعاً همه مردم دست‌به‌دست یکدیگر دادند، این همدلی شکل گرفت و مردم همراهی کردند و به نظر بنده اتفاق مطلوبی رخ داد؛ در واقع سقوط آمار مرگ‌ومیرها هم به دلیل همین همراهی و همکاری مردم بود.

اما باید بگوییم که چوب لای چرخ گذاشتن‌ها و شیطنت‌ها فقط توسط افرادی است که با این مردم دشمنی دارند؛ حالا این افراد چه در داخل کشور باشند و چه در خارج از کشور باشند. بعضی به دنبال آن هستند که به مردم استرس وارد کنند، این مسئله نوع پیام‌رسانی ما را با دشواری همراه می‌کند، ولی در نهایت خوشبختانه ما در پشت سر گذاشتن این بحران موفق بوده‌ایم. البته این نکته مهم است که ما تا چه اندازه بتوانیم دستاوردهایی که داشتیم را به‌خوبی حفظ کنیم. یعنی سواد رسانه‌ای شهروندان ما بالا رفته است و البته این سواد رسانه‌ای بهداشتی باید همچنان کیفیتش افزایش پیدا کند. بنده از همه همکاران خودم از مقام معظم رهبری تا رئیس‌جمهور و بقیه اعضای دولت تشکر می‌کنم و همه الحمدالله از عملکرد رسانه ملی راضی بودند.

جمع‌بندی نکات پایانی دکتر حبیب نژاد

۱. علیرغم مشکلات فراوان بودجه‌ای و مشکلاتی که از نتیجه تحریم‌ها داشتیم و گاهی هم تلاش‌هایی جهت سیاسی کردن موضوعات کرونا وجود داشته است ولی در مجموع الحمدالله رسانه‌ها توانستند اعتماد مردم را در حوزه سلامت به دست بیاورند و همین فاصله‌گذاری‌های اجتماعی ناشی از همین پیش‌آگاهی‌ها و آگاهی‌های ارائه‌شده توسط رسانه‌هاست.

۲. ما نیازمند به یک قانون جامع هستیم؛ چه قانون جامع مطبوعات و چه قانون جامع سلامت، که بتوانیم همه موضوعات و مسائل مربوط به بیماری‌ها و حوادثی مانند کرونا را حل کنیم و مطمئناً قوانین و مقرراتی مثل جلوگیری از بیماری‌های واگیردار که سالیان سال از تصویب آن‌ها می‌گذرد، نیاز به یک اصلاح و ویرایش کامل دارد.

۳. ما باید تکلیف و تعهدات حقوق رسانه‌ها و کاربران رسانه‌ها را در حوزه بحران‌ها شناسایی و تدوین کنیم مانند بحران سیل و بحران اجتماعی و بحران آبان ماه.

۴. قانون مطبوعات واقعاً قانون جامعی نیست که بتواند همه نیازهای ما را در حوزه رسانه و حقوق رسانه تأمین نماید و حتماً نیازمند یک قانون جامع در حوزه بهداشت و درمان هستیم.
۵. وجود میزهای بحران در رسانه‌ها بسیار مهم است و به نظر می‌رسد کمترین اثر را سیاسیون و سیاست کاری باید در حوزه اطلاع‌رسانی کرونا داشته باشد، مخصوصاً در حوزه سلامت که باجان و بهداشت مردم سروکار داریم.
۶. شاید در یک وضعیت اضطراری رسانه‌ها بیشتر از وضعیت غیر اضطراری می‌توانند به داد مردم برسند و به مردم کمک کنند. رسانه باید در وضعیت غیر اضطراری باید مشکلات مردم را بیان کند. مانند مشکلات مالی و گرفتاری‌های مردم که برای کسبه و طبقات جامعه ایجاد شده است و همه این مسائل را رسانه‌ها باید به نهادهای تصمیم‌گیر ارائه نمایند.
۷. تصمیماتی که در مراجع قانونی و مراجع تخصصی گرفته می‌شود باید به صورت شفاف و کامل به مردم برسد و به مردم اطلاع‌رسانی شود و تفهیم گردد و نه تنها به صورت سلبی بلکه باید به صورت ایجابی این اقدام صورت پذیرد. مانند موضوع پیشگیری از سیل و نحوه مواجهه با سیل.
۸. رسانه‌ها باید در عصر پسا کرونا و در عصر کرونا باید یک اصلاحات ساختاری، رفتاری، هنجاری چه در حوزه هنجارها و چه در حوزه رفتارها و چه در حوزه ساختارها داشته باشند و انشا الله دعا کنیم تا همه بتوانیم به سلامتی از این امتحان و ابتلا سربلند بیرون بیاییم و ان شاء الله دوباره به عصر بدون کرونا برگردیم.